

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## به نام دادار هور تقدیم به گوناگادین

### مقدمه مولف

سلام دانشجویهای عزیز آینده! آرزوی موفقیت و سلامتی براتون دارم. زیاد اهل صحبت کردن نیستم چرا که اصل مطلب مهم‌تره! سال‌هاست که کنکور منحصرا زبان، دغدغه‌ای برای داوطلبان این رشته شده چرا که منبع مشخصی از سوی سازمان سنجش معرفی نشده. بنده سعی کردم با مطالعه و بهره‌گیری از علم آزمون‌سازی در زبان (Language Testing) و شیوه‌های نوین یاددهی و یادگیری در آموزش زبان انگلیسی-گرایش آزمون، و تحلیل و بررسی عمیق و موشکافانه، این کنکور رو به ساده‌ترین روش به شما عزیزان آموزش بدم. (پس بدون هیچ نگرانی کلکشو می‌کنیم!) این جلد، جلد دوم از مجموعه ۳ جلدی کتب منحصرا زبان هست که دید جامعی از سوالات Part B و Part D دفترچه اختصاصی زبان به شما می‌ده و شما رو به آمادگی لازم می‌رسونه.

### ... و اما تست!

سعی کردیم سوالات رو جوری سازماندهی کنیم که شباهت قابل توجهی به کنکورهای اخیر داشته باشه؛ همچنین از جنبه آموزشی هم غافل نشدیم و تعداد تست‌ها و همچنین کیفیت که حرف اولو تو کار ما میزنه رو به شما تقدیم کنیم. راه‌های ارتباطی ...

حتما صفحه اینستاگرام @Saleheftekhari7 ، کانال تلگرامی @Zaban\_MrEf و سایت Saleheftekhari.ir رو دنبال کنید و پیشنهادات، انتقادات و نظراتتون رو بدید.

### ... حرف دل!

متاسفانه پیش‌تر کنکور ما (منحصرا زبان) منبعی نداشت و خوندن براش مثل نبرد رستم با دیو سپید بود. من یکی از دانش‌آموزانی بودم که علی‌رغم اینکه تو منطقه محروم بودم و حتی کلاسی نرفته بودم و... نمی‌تونم بگم عاشق این رشته‌ام چون جایی برای ما ناعاشقان وجود نداره! تصمیم به شرکت در کنکور برای این رشته گرفتم. اما متاسفانه با خیل عظیمی از منابع زبان اصلی، مشاوره‌های الکی و... مواجه شدم که گمراهم کرد.

می‌خوام بگم من درکت کردم و می‌کنم! تو هر سطحی از زبان هستی (پایه، متوسط و یا پیشرفته) این مجموعه کتب دقیقا چیزیه که تو رو به هدفت می‌رسونه و با علم و مطالعه فراوان روشن، خلق شدن! بنابراین، کار اصلی اینه که خوب بخونی و تست‌ها رو منظم بزنی و از همه مهم‌تر و سواي کنکور، سطح زبانت به طور چشمگیر به طور صعودی میره بالا. من، صالح افتخاری، برای تو دوست عزیزم آرزوی موفقیت در تمام مراحل زندگی دارم. به پدر مادر عزیزت سلام برسون!

از همه عزیزان، اساتید و... که به بنده در جهت خلق این اثر کمک کردند، کمال قدردانی و سپاسگزاری رو دارم و برای همشون آرزوی صحت و سلامتی و موفقیت روزافزون رو دارم. همچنین از مدیر و همکاران در انتشارات کمال تشکر رو دارم که در این وضعیت سخت، توانستند که با کمال دقت و توجه ما را در چاپ کتاب یاری دهند. و در انتها از دو معلم عزیز، معلمانی که سال‌ها در حال تلاش و تفکرند و دغدغه‌شان پرورش میهن‌سازان سرزمینم هست، پدر و مادر عزیزم، ازتون ممنونم.

صالح افتخاری  
خرداد ۱۴۰۲

## فهرست مطالب

### Vocabulary ..... بخش اول: واژگان

۲	درس اول
۹	تست درس اول
۲۴	درس دوم
۳۰	تست درس دوم
۴۱	درس سوم
۵۴	تست درس سوم
۷۰	درس چهارم
۷۶	تست درس چهارم
۸۶	درس پنجم
۹۳	تست درس پنجم
۱۰۴	درس ششم
۱۱۱	تست درس ششم
۱۲۲	درس هفتم
۱۲۹	تست درس هفتم
۱۳۸	درس هشتم
۱۴۴	تست درس هشتم
۱۵۲	درس نهم
۱۵۹	تست درس نهم
۱۶۵	درس دهم
۱۷۳	تست درس دهم
۱۸۲	تست‌های واژگان کنکور از ۹۰ تا ۱۴۰۲ داخل و خارج از کشور

### Language Functions ..... بخش دوم: کارکردهای زبانی

۲۳۷	درس اول
۲۴۳	تست درس اول
۲۵۲	درس دوم
۲۵۸	تست درس دوم
۲۶۸	درس سوم
۲۷۷	تست درس سوم
۲۹۱	درس چهارم
۳۰۴	تست درس چهارم
۳۱۳	درس پنجم
۳۱۹	تست درس پنجم
۳۳۰	درس ششم
۳۳۵	تست درس ششم
۳۴۶	درس هفتم
۳۵۲	تست درس هفتم
۳۶۳	درس هشتم
۳۶۹	تست درس هشتم
۳۷۹	درس نهم
۳۸۵	تست درس نهم
۳۹۴	درس دهم
۳۹۹	تست درس دهم
۴۰۸	پیوست (افعال دو کلمه‌ای)
۴۱۳	تست‌های مکالمه کنکور از ۹۰ تا ۱۴۰۲ داخل و خارج از کشور

## Vocabulary..... بخش اول: واژگان چند کلمه حرف خصوصی!

سلام بچه‌ها! می‌گم کم حرفم اما جدی نگیرین! (: خب، بریم سراغ اصل مطالب که ببینیم قراره چیکار باید بکنیم. واژگان یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به هر زبانی هست. مسلماً هر چی بیشتر واژه بدونیم، بازم کمه! به هر حال، این بخش یکی از حساس‌ترین بخش‌های مربوط به کنکور و... هس چرا که اگه واژه‌های کمی بدونیم، حتی گرامر، کلوز و درک مطلب و... رو هم نمی‌تونیم از پشش بریباییم. حتی مهارت شنیداری، نگارش و صحبت کردنمون هم خدشه‌دار میشه. بنابراین، هر چه بیشتر، بهتر! ... و اما کنکور!

بخش واژگان حدود ۲۰ سوال از ۷۰ سوال دفترچه رو به خودش اختصاص داده که حدوداً ۲۸,۵٪ میشه. قبل از حذف دفترچه عمومی از کنکور زبان، اصولاً ۱۰ الی ۱۲ سوال مستقیماً از کتب درسی (vision) طرح می‌شدند و ۳ سوال باقیمونده خارج از کتب درسی یعنی کلاً ۱۵ تا سوال واژگان داشتیم. اهمیت کتاب درسی به شدت بالاست اما این اهمیت به این دلیل که اغلب واژه‌هایی که از کتاب انتخاب میشن، معمولاً سوالات collocation (هم آیند، هم آیی) رو به خودشون اختصاص دادن که برخی از این هم‌آیندها حتی تو کتاب درسی آورده نشده! و همچنین معنای دوم و سوم واژه، مد نظر طراح بوده. در نتیجه، تو این کتاب سعی شده که به طور جامع هم معنای واژه و هم هم آیند مورد نظر پوشش داده بشه. پس هیچ نگرانی وجود نداره! ( ۶ درس اول مربوط به کتاب‌های درسی هستن.)

برخی سوالات میمونه که طراح الله بختکی از یه جا واژه می‌ده! اما بازم جای نگرانی نیس؟! چرا که معمولاً اون واژه‌ها توی ریدینگ و کلوزی (جلد ۳) که خوندین و حتی تست‌های گرامر و... که می‌زنین به طور ناخودآگاه پوشش داده میشن و اصولاً هدف طراح هم همین! بنابراین، توصیه مهمی که بهت دارم به هیچ وجه سعی نکن برای خوندن لغت بری مثلاً کتاب x و y رو بخونی! چرا؟! چون از یه طرف زمانت کمه و از طرف دیگه گیج میشی!! هی با خودت میگی این کتاب کافی نیس و میری کتاب دیگه می‌خونی و الی آخر. پس، برای Part B (سوالات واژگان) دفترچه همین کتاب کافیه.

**... اما یه سوال مهم:** شما میگی هر چقدر می‌تونی لغت بخون که دایره واژگانت بره بالا، اما بعدش میای میگی نخون؟ بالاخره چیکار کنیم؟

باید بگم که من تو پاسخ به Part B عرض کردم که کافیه. اما همونطوری که می‌دونین تو کلوز و مخصوصاً درک مطلب هم، واژه بشدت تاثیرگذاره. و حتی گرامر هم همینطور. اما باید توجه کنیم که هر ۳ جلد رو با هم پیش ببرین و یادداشت‌برداری کنین و مرتب تکرار و مرور کنین، مطمئناً دایره واژگانتون بشدت میره بالا! هم به درک مطلب و... میرسی و هم دایره واژگان بالا. بنابراین، نیازی به خوندن کتاب جدید نیس که گمراهت کنه!

### ... مشکلات شایع تو خوندن واژگان!

حقیقت تلخه اما این واقعیت وجود داره که همه ما انسان‌ها می‌خوایم که راه میانبر و سادتری رو بریم. مخصوصاً تو یادگیری زبان که معضلی شده! هر کی میاد یه چی می‌گه: یادگیری زبان تو ۳۰ روز، تقویت واژگان با کدینگ، مکالمه پیشرفته تو ۱۰ روز! و... خدایی آدم شاخ در میاره!!! مگه میشه مگه داریم! (:

پس ببین خودمون رو گول نزنیم که بخوایم واژه رو ببینیم و بعد معنیشو حفظ کنیم و مثلاً دستمون رو بذاریم رو لغت و از اونور معنی رو حدس بزنین و هزار تا کار دیگه!

علمی‌ترین و دقیق‌ترین روش، دیدن واژه تو context (بافت جمله) هست. بنابراین، تاکید ویژه دارم که واژه رو تو جمله یاد بگیرین. همچنین ما تو کتاب collocation (هم آیند، هم آیی) هایی رو آوردیم که واژه مورد نظر به شکل chunk (تکه عبارت) وارد حافظه شما میشه. یعنی کلمه‌هارو کنار همدیگه میبینی و کاربردشونو میفهمی و نه جدا جدا! همچنین توصیه اکید بنده اینه که حتماً حتماً، مهم‌ترین کاری که می‌کنی بی‌استرس بخون و مرور و تکرار منظم داشته باش! مرور بشدت حتی مهم‌تر از خوننده، همونطوری که میگن: "Repetition is the mother of skill."

شاید بعضی از تستا سخت‌تر باشن برات، اما به مرور عادت می‌کنی و از اشتباه زدن تنرس! از این تنرس که تحلیلش نکنی و جا بزنی!! پس، ادامه بده و ادامه بده، آخر سال دم کنکور، سلام منو به کنکور و سوالات برسون که برات مثل آب خوردن شدن! (شعار نیست بلکه خودت تجربیش می‌کنی!)

آخ یه چیزی داشت یادم می‌رفت! سعی کن بخش ۱ و ۲ رو با هم پیش ببری! یعنی یهو از یه طرف نخونی و از اون طرف در بیای بیرون! آهسته و پویسته مطالب رو از هر دو بخش به موازات هم پیش ببر و برنامه‌ریزی کن.

از یادگیری زبان انگلیسی در کنار پنجره کنار گرد و غبار روی طاقچه با یک فنجان چای داغ لذت می‌برم! آرزوی موفقیت برای تو دوست عزیز و تلاشگرم.

# Unit 1

“You don’t have to be good to start ... you just have to start to be good”!

Joe Sabah

برای شروع لازم نیست خوب باشی... فقط باید شروع کنی تا خوب شوی!

<b>success</b> (n)	His first book was a great success, everybody loved it. اولین کتاب او موفقیت بزرگی بود، همه آن را دوست داشتند. - make a success موفق شدن	موفقیت
<b>failure</b> (n)	“There is a thin line between success and failure.” یک خط نازک بین موفقیت و شکست وجود دارد. - fail ضعیف شدن، شکست خوردن Banks failure in England ورشکستگی بانک‌ها در انگلستان	شکست، ورشکستگی
<b>amazing</b> (adj)	Oxford is an amazing city = astonishing, wonderful آکسفورد یک شهر شگفت‌آور است.	شگفت‌انگیز/آور، فوق العاده
<b>boring</b> (adj)	This problem is too boring. A boring film/movie/book/... این مسئله (مشکل) بیش از حد خسته‌کننده است. یک فیلم/فیلم سینمایی/کتاب/... خسته‌کننده - bore (v,n) خسته کردن، (انسان) خسته	خسته‌کننده، کسل‌کننده
<b>danger</b> (n)	Danger! Keep away! - in danger - danger area - bore dangerous (adj) خطر! نزدیک نشوید! منطقه، محدوده خطر خطرناک در (معرض) خطر	خطر، مخاطره
<b>destroy</b> (v)	The storm destroyed buildings, broke trees, and bridges. طوفان ساختمان‌ها، درختان و پل‌های شکسته را از بین برد (ویران کرد / نابود کرد) - destroyer ناوشکن	نابود کردن، از بین بردن، خراب کردن
<b>endanger</b> (v)	If you smoke, you will endanger your health. - endangered اگر سیگار بکشید، سلامتی خود را به خطر می‌اندازید. در معرض انقراض	به خطر انداختن
<b>head</b> (v,n)	The head of the company. He heads this team for big successes. رئیس شرکت او برای موفقیت‌های بزرگ هدایت این تیم را بر عهده دارد.	سر، رئیس، هدایت و رهبری کردن
<b>hunt</b> (v,n)	Wolves hunt mostly mammalian prey. A forensic team was hunting for clues. - hunter گرگ‌ها بیشتر طعمه پستانداران را شکار می‌کنند. یک تیم پزشکی قانونی به دنبال سرنخ‌هایی بود. شکارچی	شکار، شکار کردن، جستجو کردن (در/به)
<b>hurt</b> (adj,v)	She hurt his feelings with those unkind remarks. او با این اظهارات نامهربان به احساسات او آسیب زد. - deeply hurt عمیقاً رنجیده	آسیب زدن به، اذیت کردن، غمگین و رنجیده، زخمی
<b>instead</b> (adv)	Would you like a cup of coffee instead? - instead of sth آیا به جای آن یک فنجان قهوه دوست دارید در عوض، به جای	در عوض، به جای
<b>lose</b> (v)	Last night, I lost him forever I might have lost my keys I lose to the others but win from you دیشب، او را برای همیشه از دست دادم. شاید کلیدهایم را گم کرده باشم. من به دیگران می‌بازم اما از تو پیروز می‌شوم.	از دست دادن، گم کردن، باختن
<b>lower</b> (v,adj)	The book was printed in lower cost. By doing this, he lowers costs and raises profits. کتاب با هزینه کمتری چاپ شد. با این کار او هزینه‌ها را کاهش و سود را افزایش می‌دهد. ≠ higher	کم، پایین‌تر، پایین آوردن، کم کردن
<b>natural</b> (adj)	- natural gas - a natural death گاز طبیعی زیبایی ذاتی و فطری یک مرگ عادی	طبیعی، ذاتی و فطری، عادی
<b>pay</b> (v,n)	How much did you pay for that pan? I can't live on my low pay. - pay toll چقدر برای آن ماهیتابه پرداخت کردید؟ من با حقوق کم نمی‌توانم زندگی کنم. پرداخت عوارض - pay attention to توجه کردن به	پرداخت کردن، دستمزد، حقوق

<b>plant</b> (v,n)	The thyme plant is now in danger of extinction. Father will plant melons and peas and beans. The BMW machine plant is one of the largest machine plants in the world.	گیاه، کارخانه، کاشتن گیاه آویشن اکنون در معرض خطر انقراض است. پدر خربزه و نخود و لوبیا خواهد کاشت. کارخانه ماشین‌سازی BMW یکی از بزرگترین کارخانه‌های ماشین‌سازی در جهان است.
<b>protect</b> (v,n)	"I can't protect you," he said. - protection = guard / defend	او گفت: ((نمی‌توان از تو محافظت بکنم.)) تحت حفاظت، محافظ - protective حفاظت
<b>safe</b> (adj,n)	Don't go near the edge - it isn't safe. - in a safe place - safety-belt	نزدیک لبه نروید ایمن نیست. خطرناک، نا ایمن گاو صندوق بزرگ در یک مکان مطمئن کمر بند ایمنی - unsafe - A big safe
<b>average</b> (n,adj)	The average salary is \$39,000 in a year. - average quality	متوسط حقوق ۳۹۰۰۰ دلار در سال است. کیفیت متوسط
<b>consider</b> (v)	Consider all angles of the question. - considerable	تمام زوایای سوال را در نظر بگیرید. توجه، ملاحظه، رسیدگی - consideration قابل توجه
<b>helpful</b> (adj)	An exchange of opinions is helpful. - a helpful suggestion	تبادل نظرات مفید است. یک پیشنهاد مفید
<b>kill</b> (v)	What does not kill you makes you stronger. I killed that invitation.	آنچه شما را نمی‌کشد، شما را قوی‌تر می‌کند. من آن دعوت را رد کردم. کشتن، به قتل رساندن، رد کردن
<b>span</b> (v)	The bridge has a span of 100 meters. - life span	دهانه این پل ۱۰۰ متر است. فراخای توجه - attention span طول عمر
<b>save</b> (v)	To save time is to lengthen life. - save money	صرفه‌جویی در وقت، طول عمر است. آب صرفه‌جویی کردن پول پس انداز کردن - save water
<b>voluntary</b> (adj)	- do a voluntary work - voluntary conduct	انجام یک کار داوطلبانه رفتار ارادی
<b>abroad</b> (adv,n)	Selma has never been abroad. - go / be / travel / live + abroad - publish abroad	سلما هرگز در خارج از کشور نبوده است. در همه جا شهرت دادن
<b>actually</b> (adv)	I can actually speak seven languages. - actual	من در واقع می‌توانم به هفت زبان صحبت کنم. حقیقی، واقعی
<b>alike</b> (adj,adv)	Twins are alike. My father treats us all alike.	دوقلوها شبیه هم هستند. پدرم با همه ما یکسان رفتار می‌کند.
<b>brave</b> (adj)	"That is not right," said the brave woman. - bravery	زن شجاع گفت: این درست نیست. شجاعت
<b>carry</b> (v)	Little pigeons can carry great messages. کبوترهای کوچک می‌توانند پیام‌های بزرگی را منتقل کنند.	حمل کردن، منتقل کردن
<b>clear</b> (adj,v)	His voice was as clear in her mind as if he spoke the words. Sina cleared the dirty plates. - a clear right	شفاف، واضح، پاک کردن صدایش در ذهنش چنان واضح بود که انگار کلمات را می‌گوید. سینا بشقاب‌های کثیف را پاک کرد. به طور واضح، آشکارا - clearly حق مسلم



<b>collect</b> (v)	I collected some money for going abroad. من مقداری پول برای رفتن به خارج از کشور جمع‌آوری کردم. She collects the children from school each day. او می‌رود هر روز بچه‌ها را از مدرسه می‌آورد. - collect on delivery پرداخت هنگام تحویل - collected گردآوری شده - collector مجموعه‌دار، مأمور وصول - collection گردآوری، مجموعه، کلکسیون - collective جمعی، گروهی	جمع کردن / شدن، وصول کردن، رفتن و آوردن
<b>compare</b> (v)	Compare the two poems. این دو شعر را با هم مقایسه کنید. He compared her as a beautiful unicorn. او را به عنوان یک تک شاخ زیبا تشبیه کرد. - comparison مقایسه، سنجش	مقایسه کردن، تشبیه کردن
<b>creation</b> (n)	In a sense, Van Gogh's life is itself an artistic creation. خلق کردن، ایجاد کردن - creative خلاق، ابتکاری - create	آفرینش، خلقت، ایجاد، نوآوری
<b>cross</b> (v,n)	We want to cross the street. می‌خواهیم از خیابان عبور کنیم. No cross, no crown بدون صلیب، بدون تاج (عنوان یک کتاب)	عبور کردن، قطع کردن، صلیب
<b>defend</b> (v)	We must defend our motherland from the enemy. ما باید از سرزمین مادری خود در برابر دشمن دفاع کنیم.	دفاع کردن
<b>describe</b> (v)	Words cannot describe everything. شرح، توصیف - descriptive توصیفی، وصفی - description	توصیف کردن، شرح دادن
<b>exercise</b> (n,v)	Try to exercise as often as possible. سعی کنید تا جایی که امکان دارد ورزش کنید. - do exercise ورزش کردن، تمرین کردن - daily exercise ورزش روزانه - exercise book دفتر مشق	تمرین (کردن)، استفاده کردن، ورزش
<b>donate</b> (v)	- donate blood اهدا کردن خون - donation اهدا، دهش	اهدا کردن
<b>drop</b> (n,v)	You're asking me to drop everything when I'm so close to achieving my goal. تو از من می‌خواهی وقتی به هدفم نزدیک شده‌ام همه چیز را کنار بگذارم. - one drop of poison یک قطره سم	قطره، چکه، افتادن، رها کردن
<b>fact</b> (n)	"Believe that life is worth living and your belief will help create the fact." باور کنید که زندگی ارزش زیستن دارد و اعتقاد شما به ایجاد واقعیت کمک می‌کند. - in fact در حقیقت، در واقعیت	واقعیت، حقیقت، امر مسلم
<b>gift</b> (n)	Nora has a gift for singing. نورا استعداد خوانندگی دارد.	هدیه، استعداد
<b>healthy</b> (adj)	- healthy diet/ eating/ lifestyle سبک زندگی، تغذیه، رژیم غذایی سالم - unhealthy ناسالم، ناخوش، غیر بهداشتی - healthy business کسب و کار شکوفا و پر رونق	سالم، سرحال، شکوفا و پر رونق
<b>heart</b> (n)	- heart attack حمله قلبی - learn/know by heart از بر / حفظ بودن - lose heart ناامید شدن، دل‌سرد شدن - heart beat ضربان قلب - heart and soul از دل و جان - lose one's heart (to) عاشق شدن	قلب، مرکز، دل، جرات
<b>interest</b> (n,v)	That picture <u>drew</u> my <u>interest</u> . آن تصویر توجه مرا جلب کرد. - interest in علاقه‌مند به - interest rate نرخ بهره	علاقه، نفع، توجه، علاقه‌مند کردن
<b>laugh</b> (n,v)	- laughter (صدای) خنده بلند - laugh at خندیدن به - laughable مضحک، خنده آور	خنده، خندیدن
<b>light</b> (n,v)	I lighted a candle. شمعی را روشن کردم. - light bulb لامپ - in the light of به علت، به موجب	جلوه و نمود، روشن کردن، آتش زدن



## SAMPLE TEST

*Directions: Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence.*

**1- Teaching history meant above all knowing how to ----- it.**

- 1) pay                      2) hurt                      3) develop                      4) narrate

**2- I'll know for sure that the book is going to be ----- when I have been offered a contract by the publishing company.**

- 1) compared                      2) published                      3) invented                      4) expressed

**3- If you ----- a place, you leave it completely and do not go back to it.**

- 1) jump                      2) attack                      3) quit                      4) attend

**4- The wire coat hanger was ----- by Mr. Parkhouse in 1903.**

- 1) invented                      2) believed                      3) acted                      4) emphasized

**5- Due to high winds the chimney stack became -----.**

- 1) unsafe                      2) amazing                      3) natural                      4) endangered

**6- The council house is planning to ----- the area to the east of the town center.**

- 1) sign                      2) order                      3) develop                      4) carry

**7- "----- in your dreams, no matter how impossible they seem."**

- 1) Believe                      2) Experience                      3) Light                      4) Collect

**8- There is no way at present of predicting which individuals will ----- the disease.**

- 1) develop                      2) worry                      3) fight                      4) gain

**9- The liquid became solid as the temperature was -----.**

- 1) paid                      2) planted                      3) killed                      4) lowered

**10- Smoking can increase the risk of developing heart -----.**

- 1) attack                      2) span                      3) disease                      4) weak

**11- He went to see his favorite band in concert and knew all the songs by -----.**

- 1) foot                      2) heart                      3) fist                      4) hand

**12- I think ----- it is a case study in populism and what is wrong with it.**

- 1) actually                      2) clearly                      3) instead                      4) weakly

**13- The interests of British citizens living abroad are ----- by the British Embassy.**

- 1) considered                      2) protected                      3) carried                      4) created

**14- Young children have a limited attention ----- and can't concentrate on one activity for very long.**

- 1) span                      2) suggestion                      3) quality                      4) prey

**15- There is a chemical ----- one block south and a carwash one block north.**

- 1) creation                      2) interest                      3) collection                      4) plant

**16- Unless we ----- to the words which have been placed into working memory, they will not be retained.**

- 1) narrate                      2) attend                      3) quit                      4) emphasize

**17- Therefore when Jack's attitude and manner began to grow colder she was deeply -----.**

- 1) voluntary                      2) clear                      3) hurt                      4) lower

**18- If they throw stones at you, don't throw back, use them to build your own foundation -----.**

- 1) clearly                      2) instead                      3) safely                      4) weakly

**19- It has become the most expensive bank ----- in U.S. history.**

- 1) failure                      2) danger                      3) pay                      4) consideration

- 20- Some new arrivals lose hope even before they start ----- for a job.  
 1) failing      2) collecting      3) succeeding      4) hunting
- 21- Riot police ----- the building and fired tear gas at the crowd.  
 1) carried      2) ringed      3) orbited      4) compared
- 22- The Collectors were trying to do a(n) ----- in Room.  
 1) experiment      2) wonder      3) consideration      4) experience
- 23- All theories should be built on a foundation of ----- knowledge.  
 1) creative      2) considerable      3) factual      4) liquid
- 24- The study shows the close ----- between poverty and ill health.  
 1) attention      2) sign      3) development      4) relation
- 25- He's been ----- strangely ever since his mom died.  
 1) acting      2) doing      3) dropping      4) paying
- 26- The bank may lend money on a short term at a fixed ----- rate.  
 1) helpful      2) interest      3) collective      4) descriptive
- 27- The band are hoping to ----- with a good make by the end of the year.  
 1) consider      2) sign      3) plant      4) carry
- 28- Don't you understand that you mustn't make ----- in a place like this?  
 1) failure      2) creation      3) collection      4) noise
- 29- The items from these shops are much cheaper but are of ----- quality.  
 1) astonishing      2) average      3) natural      4) descriptive
- 30- Since retiring from the company, she has done ----- work for a charity.  
 1) national      2) clear      3) healthy      4) voluntary
- 31- He didn't ----- hold of the rope until his father came.  
 1) collect      2) donate      3) narrate      4) quit
- 32- For the sake of historical accuracy, please permit us to state the true -----.  
 1) interests      2) creations      3) facts      4) dangers
- 33- His work is good in respect of ----- but bad in respect of quantity.  
 1) inaction      2) quality      3) area      4) knowledge
- 34- To get truly power, a vehicle would need to ----- so much gas that it would never get off the ground.  
 1) carry      2) protect      3) collect      4) orbit
- 35- They stressed that at present no test is available which will predict accurately anyone at risk of a heart -----.  
 1) disease      2) worry      3) attack      4) experiment
- 36- That artist's latest set of paintings has really drawn a great deal of ----- among art collectors.  
 1) interest      2) fact      3) quality      4) light
- 37- The children's ----- was still ringing in my ears as I left the playground.  
 1) order      2) power      3) material      4) laughter
- 38- As Ricardo Caballero has pointed out, the world has a shortage of safe ----- assets.  
 1) liquid      2) strange      3) close      4) grave
- 39- In the picture they eventually agreed on, he has just scored his first goal for Madrid at the Bernabeu and his ----- is absolutely radiant.  
 1) span      2) expression      3) gift      4) experience
- 40- The brain furnishes the information we have ----- about the person whose face we are looking at.  
 1) compare      2) create      3) collected      4) consider

- 80- If exercise ----- you but you still want to be healthy, take up a hobby that engages you in physical activity, such as hiking.**  
 1) destroys      2) protects      3) bores      4) kills
- 81- It is perhaps more surprising that they do sometimes ----- to such matters, if never with full care and attention.**  
 1) believe      2) cradle      3) develop      4) attend
- 82- Different schools of economic thought will use models based on different and sometimes contradictory assumptions resulting in a wide range of advice on how to create a ----- economy.**  
 1) unsafe      2) healthy      3) astonishing      4) creative
- 83- The words anarchy and monarchy are closely related. Anarchy means no leader; monarchy, a government ----- by a king or queen, means one leader.**  
 1) headed      2) killed      3) protected      4) destroyed
- 84- Love is the emotional opium of the mind, and the bread and butter of the ----- and soul, people can hardly live without love.**  
 1) heart      2) light      3) organ      4) ring
- 85- Today technology has progressed to the point where it is possible to ----- new building materials to suit the type of structure desired.**  
 1) express      2) invent      3) develop      4) gain
- 86- Once the fossils were out of the ground, Phipps couldn't find an institution interested in ----- for them. So, when Bonhams auction house contacted him, Phipps reluctantly agreed.**  
 1) donating      2) comparing      3) collecting      4) paying
- 87- ----- all of the answer choices and do not fall into the trap of selecting the first answer choice that appears to fulfill the requirements of the question.**  
 1) Defend      2) Describe      3) Consider      4) Narrate
- 88- Although focused on social services, this also provides useful material, from a user's perspective, on health services and ----- organizations.**  
 1) collected      2) foreign      3) clear      4) voluntary
- 89- Actual situations include things as ordinary as deciding which car to buy, how much insurance to get, and which charities to ----- to.**  
 1) order      2) donate      3) sign      4) publish
- 90- Because of strong opposition, the government has ----- plans to increase taxes on fuel.**  
 1) planted      2) headed      3) dropped      4) hunted
- 91- You may need to make contacts with schools, special agencies, universities, the Department of Employment, professional ----- and so on.**  
 1) bodies      2) relations      3) suggestions      4) civilizations
- 92- Your dictionary will explain the order in which the meanings are presented. When the numbered definition has ----- related meanings, they are marked with 1.a., b., and c.**  
 1) clearly      2) weakly      3) closely      4) safely
- 93- These days Valdez is taking political science classes at Pima Community College and planning to study in a ----- land.**  
 1) common      2) factual      3) foreign      4) developing
- 94- Mesopotamia, the area between the Tigris and Euphrates Rivers (in modern day Iraq), is often referred to as the ----- of civilization because it is the first place where complex urban centers grew.**  
 1) land      2) cradle      3) body      4) gift
- 95- By learning the other members of a word's family, you can recognize words more quickly when you read or listen, and you can ----- yourself more clearly when you write or speak.**  
 1) express      2) consider      3) develop      4) invent

**96- An even more important difference is the fact that the remedial work is ----- rather than productive.**

- 1) considerable 2) collective 3) expressive 4) descriptive

**97- Such a situation is one which allows other countries to ----- international law and act according to their own judgments.**

- 1) grow up 2) pass away 3) get around 4) put aside

**98- Good love is to let you see the whole world through someone while bad love is to make you ----- the world.**

- 1) go out 2) give up 3) jump into 4) grow up

**99- So many people just eat, rest, procreate and -----, without making the world any better through their existence.**

- 1) put aside 2) get around 3) grow up 4) pass away

**100- If SARS-CoV-2 spreads more in crowded indoor spaces, we can plug that info into a simulation and see how many would likely ----- if, say, we were allowed to go drinking in bars without wearing masks.**

- 1) make noise 2) quit hold of 3) wonder at 4) get sick

**101- If you could construct your mate, according to the similarity principle, it's likely that your mate would look, act, and think very much like you. Generally, people like those who are similar to them in -----, race, abilities, physical characteristics, intelligence, and attitudes.**

- 1) collection 2) nationality 3) bravery 4) comparison

**102- "When we replace the air by a stream of coal gas, the galvanometer indicates an augmentation of heat, so that we have before us a demonstration that coal gas when heated does radiate more than equally hot air, from which we conclude that it would ----- more absorption than air."**

- 1) exercise 2) consider 3) collect 4) develop

**103- Jasinski warned that it's not too dissimilar from the current state of things. "If we don't want our tigers and polar bears and other ----- animals to suffer the same fate as Dineobellator, we must seek to change what's happening and stop being a modern day 'asteroid,'" he said.**

- 1) helpful 2) endangered 3) average 4) astonishing

**104- The philosopher said that the dichotomy between science and religion was a false one. He said that actually both were ----- attempts to answer the basic questions about man and the universe and throughout the history of mankind, had frequently overlapped.**

- 1) healthy 2) voluntary 3) creative 4) liquid

**105- Sentences like that I have just quoted are found here and there in the writings of the earlier and later alchemists; now and again we also find statements which may be interpreted, in the ----- of the fuller knowledge we now have, as indicating at least suspicions that the atmosphere is a mixture of different kinds of air, and that only some of these take part in calcining and burning operations.**

- 1) span 2) failure 3) power 4) light

برخی از واژه‌ها همونطوری که با هم ملاحظه کردیم دارای چندین نقش (اسم، صفت، فعل و...) هستند. بنابراین تو تست‌ها معنای نقش مورد نظر مورد سواله، اما ما کلیه معانی رو آوردیم تا براتون هی مرور شه.

۱۱- او به تماشای گروه مورد علاقه‌اش در کنسرت رفت و همه آهنگ‌ها را به خاطر سپرد.

💡 learn/know by heart: از بر/ حفظ بودن

۱۲- من فکر می‌کنم در واقع این یک مطالعه موردی در پوپولیسیم است و اشکال آن چیست.

① در واقع، در حقیقت، واقعاً (۲) به طور واضح، آشکارا (۳) در عوض، به جای (۴) به طور ضعیف

۱۳- منافع شهروندان بریتانیایی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند توسط سفارت انگلیس محافظت می‌شود.

① در نظر گرفتن، فکر کردن (② محافظت کردن (۳) حمل کردن، منتقل کردن (۴) خلق کردن، ایجاد کردن

۱۴- کودکان دارای فراخوانی توجه محدودی هستند و نمی‌توانند برای مدت طولانی روی یک فعالیت تمرکز کنند.

① فاصله زمانی، وجب (۲) پیشنهاد (۳) کیفیت (۴) طعمه

💡 attention span: فراخوانی توجه

۱۵- یک کارخانه شیمیایی در یک بلوک در جنوب و یک کارواش در یک بلوک در شمال وجود دارد.

① آفرینش، خلقت، ایجاد، نوآوری (۲) علاقه، نفع، توجه، علاقه‌مند کردن (۳) گردآوری، مجموعه، کلکسیون (④ گیاه، کارخانه، کاشتن

۱۶- مگر اینکه به کلماتی که در حافظه فعال قرار گرفته‌اند توجه کنیم، آن‌ها حفظ نمی‌شوند.

① روایت کردن، نقل کردن (② حضور داشتن (بدون to) (۳) ترک کردن، دست کشیدن از (۴) تاکید کردن، اهمیت دادن

💡 attend to: توجه کردن، رسیدگی کردن به

۱۷- بنابراین وقتی رفتار و رویکرد جک سردتر شد، او عمیقاً رنجیده دید.

① داوطلبانه، اختیاری، ارادی (۲) شفاف، واضح، پاک کردن (③ آسیب زدن به، اذیت کردن، غمگین و رنجیده، زخمی (۴) کم، پایین‌تر، پایین آوردن، کم کردن

💡 deeply hurt: عمیقاً رنجیده

۱۸- اگر آن‌ها به طرف شما سنگ پرتاب می‌کنند، (شما هم) به طرف آن‌ها سنگ پرتاب نکنید، به جای آن از آن‌ها برای ساختن پایه خود استفاده کنید.

① به طور واضح، آشکارا (② در عوض، به جای (۳) با اطمینان (۴) به طور ضعیف

۱۹- این تبدیل به گران‌ترین ورشکستگی بانک در تاریخ ایالات متحده شده است.

① شکست، ورشکستگی (۲) خطر، مخاطره (۳) پرداخت کردن، دستمزد، حقوق (۴) توجه، ملاحظه، رسیدگی

۲۰- برخی از تازه‌واردان حتی قبل از شروع به جستجوی شغل، امید خود را از دست می‌دهند.

① ضعیف شدن، شکست خوردن (۲) جمع کردن/شدن، وصول کردن، رفتن و آوردن (۳) موفق شدن (④ شکار، شکار کردن

💡 hunt for: جستجو کردن (در/ به)

۱- تدریس تاریخ بیش از هر چیز به معنای دانستن این است که چطور آن را روایت کنیم.

① پرداخت کردن، دستمزد، حقوق (۲) آسیب زدن به، اذیت کردن، غمگین و رنجیده، زخمی (۳) توسعه دادن، رشد کردن، پرورش دادن، پیشرفت کردن (④ روایت کردن، نقل کردن

۲- من به طور قطع می‌دانم که این کتاب منتشر می‌شود زمانی که به من قراردادی بوسیله شرکت انتشاراتی پیشنهاد داده شود.

① مقایسه کردن، تشبیه کردن (② منتشر کردن، چاپ کردن (۳) اختراع کردن (۴) بیان کردن، نشان دادن

۳- اگر مکانی را ترک کنید، آن را کاملاً ترک می‌کنید و به آن باز نمی‌گردید.

① پریدن، پرش (۲) حمله (کردن)، انتقاد کردن (③ ترک کردن، دست کشیدن از (۴) حضور داشتن، توجه کردن، رسیدگی کردن به

۴- رخت آویز سیمی در سال ۱۹۰۳ توسط آقای پارک هاوس اختراع شد.

① اختراع کردن (۲) باور کردن، عقیده داشتن، معتقد بودن (۳) اقدام کردن، رفتار کردن، نقش بازی کردن، کار، عمل (۴) تاکید کردن، اهمیت دادن

۵- به دلیل ورزش باد شدید، دودکش آجری ناامن شد.

① خطرناک، ناایمن (۲) شگفت انگیز/آور، فوق العاده (۳) طبیعی، ذاتی و فطری، عادی (۴) در معرض خطر

۶- خانه شورا در حال برنامه‌ریزی برای توسعه منطقه در شرق مرکز شهر است.

① علامت، نشانه، تابلو، امضا کردن (۲) ترتیب، نظم، سفارش (دادن)، دستور (دادن) (③ توسعه دادن، رشد کردن، پرورش دادن، پیشرفت کردن (۴) حمل کردن، منتقل کردن

۷- رویاهای خود را باور کنید، مهم نیست که چقدر غیرممکن به نظر می‌رسند.

① باور کردن، عقیده داشتن، معتقد بودن (۲) تجربه، پیشامد و حادثه، تجربه کردن (۳) جلوه و نمود، روشن کردن، آتش زدن (۴) جمع کردن/شدن، وصول کردن، رفتن و آوردن

۸- در حال حاضر راهی برای پیش‌بینی اینکه چه افرادی به این بیماری دچار می‌شوند وجود ندارد.

① دچار شدن (به بیماری) (۲) نگرانی، نگران کردن (۳) جنگیدن، مبارزه، مبارزه کردن (۴) کسب کردن، بدست آوردن، سود، افزایش، دستاورد، حصول

۹- مایع جامد شد وقتی که دما پایین آورده شد.

① پرداخت کردن، دستمزد، حقوق (۲) گیاه، کارخانه، کاشتن (۳) کشتن، به قتل رساندن، رد کردن (④ کم، پایین‌تر، پایین آوردن، کم کردن

۱۰- سیگار کشیدن می‌تواند خطر دچار به بیماری‌های قلبی را افزایش دهد.

① حمله (کردن)، انتقاد کردن (۲) فاصله زمانی، وجب (④ بیماری، مرض (۴) ضعیف، آبی، کم، سست

developing heart disease: به بیماری‌های قلبی دچار شدن

💡

۲۱- پلیس ضدشورش ساختمان را احاطه کرد و به سمت جمعیت گاز اشک‌آور شلیک کرد.

۱) حمل کردن، منتقل کردن (✓) حلقه، زنگ زدن، احاطه کردن (۳) مدار، دور زدن (۴) مقایسه کردن، تشبیه کردن  
۲۲- کلکسیونرها سعی می‌کردند در اتاق آزمایش انجام دهند.

(✓) آزمایش، آزمایش کردن (۲) شگفتی، حیرت، متعجب بودن (۳) توجه، ملاحظه، رسیدگی (۴) تجربه، پیشامد و حادثه، تجربه کردن

🔦: do an experiment : آزمایش کردن

۲۳- همه نظریه‌ها باید بر اساس دانش واقعی ساخته شوند.  
۱) خلاق، ابتکاری (۲) قابل توجه (✓) واقعی (۴) مایع، روان، نقد

🔦: factual knowledge : دانش واقعی

۲۴- مطالعه رابطه نزدیک بین فقر و بیماری را نشان می‌دهد.

۱) توجه (۲) توسعه، رشد و پیشرفت (۳) علامت، نشانه، تابلو، امضا کردن (✓) رابطه، ارتباط

🔦: close relation : رابطه صمیمی، نزدیک

۲۵- او از زمان مرگ مادرش عجیب رفتار می‌کند.

(✓) اقدام کردن، رفتار کردن، نقش بازی کردن، کار، عمل (۲) انجام دادن (۳) قطره، چکه، افتادن، رها کردن (۴) پرداخت کردن، دستمزد، حقوق

۲۶- بانک ممکن است در کوتاه مدت با نرخ بهره ثابت پول وام دهد.

۱) مفید (✓) علاقه، نفع، توجه، علاقه‌مند کردن (۳) جمعی، گروهی (۴) توصیفی، وصفی

🔦: interest rate : نرخ بهره

۲۷- این گروه امیدوار است تا پایان سال با یک برند معتبر قرارداد ببندد.

۱) در نظر گرفتن، فکر کردن (✓) علامت، نشانه، تابلو، امضا کردن (۳) گیاه، کارخانه، کاشتن (۴) حمل کردن، منتقل کردن

🔦: sign with sth : قرارداد بستن

۲۸- آیا نمی‌فهمید که نباید در جایی مثل این (مکان) سر و صدا کنید؟

۱) شکست، ورشکستگی (۲) آفرینش، خلقت، ایجاد، نوآوری (۳) گردآوری، مجموعه، کلکسیون (✓) سر و صدا

🔦: make noise : سر و صدا کردن

۲۹- اقلام این مغازه‌ها بسیار ارزان‌تر هستند اما از کیفیت متوسطی برخوردارند.

۱) شگفت‌آور (✓) متوسط (۳) طبیعی، ذاتی و فطری، عادی (۴) توصیفی، وصفی

🔦: average quality : کیفیت متوسط

۳۰- از زمان بازنشستگی از این شرکت، او کار داوطلبانه را برای یک موسسه خیریه انجام داده است.

۱) ملی (۲) شفاف، واضح، پاک کردن (۳) سالم، سرحال، شکوفا و پر رونق (✓) داوطلبانه

🔦: do a voluntary work : انجام یک کار داوطلبانه

۳۱- تا زمانی که پدرش نیامد، طناب را ول نکرد.

۱) جمع کردن/شدن، وصول کردن، رفتن و آوردن (۲) اهدا کردن (۳) روایت کردن، نقل کردن (✓) ترک کردن، دست کشیدن از

🔦: quit hold of : ول کردن

۳۲- به دلیل صحت تاریخی، لطفاً به ما اجازه دهید حقایق واقعی را بیان کنیم.

۱) علایق (۲) خطرات (✓) حقایق (۴) مخلوقات

۳۳- کار او از نظر کیفیت خوب است اما از نظر کمیت بد است.

۱) بی‌حرکتی، تنبلی، سستی (✓) کیفیت (۳) منطقه، ناحیه، حوزه، قسمت، بخش (۴) دانش، شناخت، اطلاع

۳۴- برای به حرکت درآوردن نیروی واقعی، یک وسیله نقلیه باید آنقدر گاز حمل کند که هرگز از زمین خارج نشود.

(✓) حمل کردن، منتقل کردن (۲) محافظت کردن (۳) جمع کردن/شدن، وصول کردن، رفتن و آوردن (۴) مدار، دور زدن

۳۵- آن‌ها تأکید کردند که در حال حاضر هیچ آزمایشی در دسترس نیست که به طور دقیق هر کسی را در معرض خطر حمله قلبی پیش‌بینی کند.

۱) بیماری (۲) نگرانی، نگران کردن (✓) حمله (کردن)، انتقاد کردن (۴) آزمایش، آزمایش کردن

🔦: heart attack : حمله قلبی

۳۶- آخرین مجموعه نقاشی‌های آن هنرمند واقعاً توجه بسیاری را در میان مجموعه‌داران هنری جلب کرد.

(✓) علاقه، نفع، توجه، علاقه‌مند کردن (۲) واقعیت، حقیقت، امر مسلم (۳) کیفیت، ویژگی (۴) جلوه و نمود، روشن کردن، آتش زدن

🔦: draw one's interest : توجه کسی را جلب کردن

۳۷- هنگام خروج از زمین بازی هنوز خنده بچه‌ها در گوشم می‌پیچید.

۱) ترتیب، نظم، سفارش (دادن)، دستور (دادن) (۲) قدرت، توان، نیرو، برق، به کار انداختن (۳) جنس، ماده، مطلب (✓) صدای خنده بلند

۳۸- همانطور که ریکاردو کابالرو اشاره کرده است، جهان با کمبود دارایی‌های نقد امن مواجه است.

(✓) مایع، روان، نقد (۲) عجیب، ناآشنا (۳) نزدیک، صمیمی، دقیق (۴) قبر، جدی، مهم

🔦: liquid assets : دارایی‌های نقد

۳۹- در تصویری که سرانجام بر سر آن توافق کردند، او به تازگی اولین گل خود را برای مادرید در برنابئو به ثمر رسانده است و حالت چهره او کاملاً درخشان است.

۱) فاصله زمانی، وجب (✓) بیان، اظهار، حالت (چهره)، عبارت (۳) هدیه، استعداد (۴) تجربه، پیشامد و حادثه، تجربه کردن

۴۰- مغز اطلاعاتی را فراهم می‌کند که در مورد فردی که به صورت او نگاه می‌کنیم جمع‌آوری کرده‌ایم.

۱) مقایسه کردن، تشبیه کردن (۲) خلق کردن، ایجاد کردن (✓) جمع کردن/شدن، وصول کردن، رفتن و آوردن (۴) در نظر گرفتن، فکر کردن

۴۱- روزنامه‌ای یک انتقاد ویرایشی به او بخاطر چاخان بودنش به راه انداخت.

۱) اقدام کردن، رفتار کردن، نقش بازی کردن، کار، عمل (۲) شرح، توصیف (۳) میزان (✓) حمله (کردن)، انتقاد کردن

# General Tests

تست‌های بخش واژگان کنکور  
داخل و خارج از کشور  
از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲





## Part B: Vocabulary

*Directions:* Questions 111-125 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

111- Studies on relationships at middle age have found a steady ----- of stress in marriages all the way from youth into age.

- 1) record                      2) decline                      3) issue                      4) measure

112- Smoking should be forbidden on airplanes. We are all ----- to breathe clean air.

- 1) entitled                      2) devoted                      3) mediated                      4) convinced

113- It is interesting that medical researchers have made important medical ----- through animal research.

- 1) purposes                      2) formations                      3) discoveries                      4) impressions

114- We weren't going to ----- our lease on our apartment, but we didn't have time to look for another one.

- 1) update                      2) extend                      3) enhance                      4) increase

115- Large chocolate companies buy cacao beans at a low price and produce chocolate products to sell at a(n) ----- high price.

- 1) firmly                      2) relatively                      3) efficiently                      4) economically

116- If we teach children to fear competition because of the ----- of losing, then we actually lower their self-esteem.

- 1) context                      2) challenge                      3) capacity                      4) possibility

117- Having free time to relax and ----- hobbies and interests is important and good for a person's well-being.

- 1) explore                      2) evolve                      3) pursue                      4) involve

118- The process by which we store and ----- information in our brain has been the focus of scientific research for many years.

- 1) invoke                      2) conduct                      3) imagine                      4) retrieve

119- He says that the new tobacco-free cigarettes are safe, but he does not by any ----- persuade me that this is true.

- 1) means                      2) reasons                      3) comments                      4) outcomes

120- Early science fiction writers ----- scientists and engineers to develop new space technologies.

- 1) granted                      2) engaged                      3) inspired                      4) converted

121- Thanks to the speed and ----- of modern travel, destinations that used to take a long time to travel to can now be reached quickly and easily.

- 1) addition                      2) comparison                      3) awareness                      4) convenience

122- Though he talked for over an hour he said nothing to ----- his true attitude toward the subject of his speech.

- 1) reveal                      2) forecast                      3) attach                      4) devise

123- The abilities to concentrate completely on what another is saying and to understand the emotions behind the words are ----- for good communication.

- 1) intrinsic                      2) critical                      3) potential                      4) dominant

124- To fix the memory of a new word in your mind, it can help to ----- it with an image that is vivid in some way.

- 1) handle                      2) discover                      3) associate                      4) recognize

125- Nowadays quality is most often ----- by the reaction of the customer who buys and uses the product.

- 1) defined                      2) contained                      3) required                      4) achieved

۱۲۱- در نتیجه سرعت و راحتی مسافرت مدرن، می‌توان به سرعت و به راحتی به مقاصد که سابقاً مدت‌ها مسافرت طول می‌کشید رسید.

(۱) اضافه (۲) مقایسه، سنجش (۳) آگاهی، باخبری، هشجاری  
 (۴) راحتی و آسودگی

۱۲۲- اگرچه بیش از یک ساعت صحبت کرد اما چیزی نگفت تا نگرش واقعی خود را نسبت به موضوع سخنرانی آشکار کند.

(۱) آشکار کردن (۲) پیش‌بینی کردن، طالع دیدن  
 (۳) ضمیمه کردن، چسباندن، توقیف کردن (۴) تدبیر کردن، ابداع کردن

۱۲۳- توانایی تمرکز کامل بر گفته‌های دیگری و درک احساسات پشت کلمات برای برقراری ارتباط خوب مهم است.

(۱) درونی، ذاتی (۲) حیاتی و ضروری (۳) پتانسیل، استعداد، بالقوه (۴) غالب، مسلط، مهم

۱۲۴- برای اینکه حافظه کلمه جدیدی در ذهن شما را تثبیت کند، می‌تواند به ارتباط دادن آن با تصویری کمک کند که به نوعی زنده است.

(۱) کنترل کردن، رسیدگی کردن (۲) کشف کردن (۳) ارتباط دادن، مربوط شدن (۴) شناختن، تشخیص دادن

۱۲۵- امروزه کیفیت اغلب با واکنش مشتری که محصول را خریداری و استفاده می‌کند، تعریف می‌شود.

(۱) تعریف کردن، مشخص کردن (۲) حاوی بودن، مهار کردن (۳) نیاز داشتن، مستلزم بودن (۴) بدست آوردن، نائل شدن به

۱۱۱- مطالعات در مورد روابط در میان‌سالی کاهش مداوم استرس در ازدواج‌ها را از دوران جوانی تا سنین کهنسالی نشان داده است.

(۱) ثبت، ضبط (۲) کاهش، زوال (۳) مسئله، ماده (فیزیکی)  
 (۴) اندازه‌گیری، واحد

۱۱۲- سیگار کشیدن باید در هواپیما ممنوع باشد. همه ما حق تنفس هوای پاک را داریم.

(۱) حق داشتن، حق دادن (۲) وقف کردن، اختصاص دادن (۳) وساطت کردن (۴) متقاعد کردن

۱۱۳- جالب است که محققان پزشکی از طریق تحقیقات حیوانی به کشفیات پزشکی مهمی دست یافته‌اند.

(۱) هدف، عزم، اراده (۲) تشکیلات، شکل‌گیری، تکوین (۳) کشف (۴) تأثیر، احساس، نشان

۱۱۴- قصد نداشتیم اجازه آپارتمان خود را تمدید کنیم اما وقت نکردیم که به دنبال آپارتمان دیگری برویم.

(۱) به روزرسانی کردن (۲) گسترش دادن، تمدید کردن (۳) افزایش دادن، بهتر کردن (۴) زیاد کردن، افزایش دادن

💡: فرق بین گزینه ۳ و ۴ چیه؟! حتماً تو دیکشنری جستجو کنین.

۱۱۵- شرکت‌های بزرگ شکلات دانه‌های کاکائو را با قیمت پایین خریداری می‌کنند و محصولات شکلاتی تولید می‌کنند تا با قیمت نسبتاً بالایی به فروش برسانند.

(۱) قاطعانه (۲) نسبتاً (۳) به طور موثر و کار آمد (۴) از لحاظ اقتصادی

۱۱۶- اگر به کودکان یاد دهیم که از رقابت به دلیل احتمال باختن بترسند، در واقع عزت نفس آن‌ها را پایین می‌آوریم.

(۱) متن، زمینه (۲) چالش (۳) ظرفیت، گنجایش (۴) احتمال، امکان

۱۱۷- داشتن وقت آزاد برای استراحت و دنبال سرگرمی‌ها و علایق برای رفاه فرد مهم و مفید است.

(۱) کاوش کردن، بررسی کردن (۲) تکامل یافتن، تحول یافتن (۳) دنبال کردن، تعقیب کردن (۴) مستلزم بودن، درگیر کردن / شدن

۱۱۸- فرایندی که ما طی آن اطلاعات را در مغز خود ذخیره و بازیابی می‌کنیم، سال‌هاست که در مرکز تحقیقات علمی بوده است.

(۱) متوسل شدن به (۲) هدایت کردن، رسانا بودن (برق)  
 (۳) تصور کردن، فرض کردن (۴) بازیابی کردن (اطلاعات)

۱۱۹- او می‌گوید سیگارهای جدید بدون تنباکوی بی‌خطر هستند، اما به هیچ وجه من را متقاعد نمی‌کند که این درست است.

(۱) ابزار و وسایل (۲) دلایل (۳) نظرات (۴) نتایج

💡: not by any means/by no means : به هیچ وجه

۱۲۰- نویسندگان اولیه داستان‌های علمی تخیلی، دانشمندان و مهندسان را برای توسعه فناوری‌های جدید فضایی الهام می‌بخشند.

(۱) اعطا کردن (۲) مشغول کردن (۳) الهام بخشیدن، نفس عمیق کشیدن (۴) تبدیل کردن، تغییر مذهب دادن

## بخش دوم: کارکردهای زبانی ..... Language Functions

چند کلمه حرف خصوصی!

سلام بچه‌ها! امیدوارم حالتون عالی باشه. زیاد نمی‌خوام وقتتون رو بگیرم و کار اصلی ما خوندن مطالب و یادگیریه تا حواشی! Language Functions (کاربرد/نقش/کارکردهای زبانی) به طور کلی به کاربرد زبان تو موقعیت‌های مختلف روزمره اطلاق میشه. برای مثال: سلام و احوال‌پرسی کردن، آدرس دادن و گرفتن، معذرت خواهی کردن، پیشنهاد دادن، نظر خواستن، موافقت کردن، بیان عواطف و احساسات، بیان خواسته‌ها و علایق، بیان برطرف کردن نیازهای روزمره، تفسیر مسائل و... . حالا وقتی می‌خوایم این مسائل رو بیان کنیم و به زبون بیاریم، برخی از expressions, fixed expressions, idioms, idiomatic expressions, exclamations ... ها رو تو میون کلام استفاده می‌کنیم. البته باید به یاد داشت که استفاده قطاری از اصطلاحات موجب برهم زدن و ناکوک کردن صحبتمون میشه چرا که حتی خود نیتیو اسپیکرهای زبان انگلیسی هم زیاد از اینا استفاده نمی‌کنن، همونطوری که ما هم زیاد تو زبانون استفاده نمی‌کنیم! بنابراین، به دید کنکور نخوایم نگاه کنیم، یادگیری اصطلاحات از نون شب واجب‌تره برای بالا بردن سطح صحبت کردن و شنیداریمون با توجه به این نکته که به طور قطاری ازشون تو صحبت کردنمون استفاده نکنیم!  
... و اما کنکور!

طبق کنکورهای سال ۱۴۰۲، بخش کارکردهای زبانی حدود ۵ سوال از ۷۰ سوال دفترچه رو به خودش اختصاص داده که حدوداً ۷،۱٪ میشه. اما از اونجایی که بسیاری از داوطلبان با این بخش آشنایی ندارن و با توجه به دشواری سوالات، این بخش رو به یکی از مهم‌ترین و در صدآورترین بخش‌های دفترچه تبدیل کرده که مطمئناً تنها کسانی که برایش وقت می‌زارن سر بلند خواهند شد. یکی از اشتباهات رایج بسیاری از داوطلبان اینه که فقط از کتاب‌های x و y، به حفظ کردن idiom ها روی میارن تا بتونن که کاری رو پیش ببرن. اما سوالات کنکور سال‌های اخیر خلاف اینو ثابت کرده و ما شاهد میکسی از بکارگیری idiom, expression, phrase ... هستیم. بنابراین، تو این کتاب سعی شده که مطالب لازم و ضروری در حد کنکور سراسری گردآوری شه که دوستان عزیزمون رو به آمادگی لازم برای رویارویی با تست‌ها برسونه.  
صرفاً توضیحات پایین، آشنایی با مطالبه و اهمیتی برامون نداره که مثلاً بدونیم اصطلاحی idiom و... هست یا نه! (به مرور زمان خودمون متوجه میشیم.) کار ما فقط یادگیری و لذت بردن و در نهایت ارزشیابی و زدن تست‌ها برای آمادگی کنکور!

**idiom:** A group of words in a fixed order that has a particular meaning that is different from the meanings of each word on its own. (difficult to understand)

**idiomatic expressions:** They are the expressions whose meanings cannot be inferred from the meanings of the words that make it up.

**expression:** An expression is a word or group of words that can transfer a way or manner of expressing ideas, views, feelings, etc. through words. (easier to understand)

**fixed expression:** A fixed expression is a standard form of expression that has taken on a more specific meaning than the expression itself.

**phrase:** A short group of words that are often used together and have a particular meaning.

**exclamation:** An exclamation is a sound, word, or sentence that is spoken suddenly, loudly, or emphatically and that expresses excitement, admiration, shock, or anger.

**interjection:** A word that is used to show a short sudden expression of emotion. It is usually a single word with an exclamation mark. (Aha, Alas, bravo, cheers, eh, , Hi!, Hmm, Oh, Ouch, Phew, Wow!, ...)

**phrasal verb:** A phrase that consists of a verb with a preposition or adverb or both, the meaning of which is different from the meaning of its separate parts.

... : ...

# Unit 1

---

- تو این درس با عبارات بسیار کاربردی و اصطلاحاتی چند آشنا میشیم.
- سعی کنین به مثال‌ها خیلی گیر بدین! تر توشو در بیارین و چن بار مثال‌ها رو بخونین.
  - از مترادف‌ها و متضادها غافل نشین.
  - با توجه به نحوه یادگیری و زمانی که میزارین، درس رو به چند جلسه مطالعاتی اختصاص بدین!
  - برای بعضی از اصطلاحات دشوار هم، تو هر درس ۲۵ سوال به تعریف، مثال و... اختصاص داده شده که درک درستی از اصطلاحات مربوطه به ما میده.
  - علامت (\*) توضیح و شفاف‌سازی بیشتر راجع به اصطلاح مورد نظرمون میده.

<b>in any case</b>	In any case, he is a friend of mine. = at any rate / anyway	در هر صورت، او دوست من است. در هر صورت، او دوست من است.	در هر صورت، به هر حال
<b>dread / hate to think</b>	I dread to think what will happen if they get elected. تصورشم برام دردناکه اگه اونا انتخاب شن چه اتفاقی می افته.		تصورشم دردناکه
<b>easier said than done</b>	Finding the perfect house was easier said than done. = more easily said than done	یافتن خانه کامل، گفتنش راحت و لی تو عمل سخته.	گفتنش راحت و لی تو عمل سخته
<b>I'm easy</b>	<b>A:</b> Would you like tea or coffee? <b>B:</b> I'm easy. <b>A:</b> آیا چای یا قهوه میل دارید؟ <b>B:</b> برام فرقی نمیکنه.		برام فرقی نداره
<b>for goodness / heaven's sake</b>	For goodness sake, hurry! = come on!	محض رضای خدا (وای خدا)، عجله کن.	محض رضای خدا
<b>come on</b>	Come on, it's time we left. Come on, be honest.	زود باش وقتشه بریم. بی خیال، رو راست باش.	عجله کن، بی خیال، نه بابا!
<b>in all honesty</b>	In all honesty, I can't help you.	صادقانه بگویم، من نمی توانم به شما کمک کنم.	با صداقت کامل
<b>not to mention</b>	He's kind and intelligent, not to mention handsome, person I know. او فردی مهربان و باهوش است، ناگفته نماند که خوش تیپ، که من می شناسم.		به علاوه، ناگفته نماند که
<b>let's see / think</b>	So, let's see. What do we need to take? <b>A:</b> Can you recommend a restaurant? <b>B:</b> Let's see. There are two. <b>A:</b> آیا می تونی یک رستوران پیشنهاد بدی؟ <b>B:</b> بذار فک کنم. دو تا وجود داره.	خب، بیایید ببینیم. چه چیزهایی باید ببریم؟ <b>A:</b> Can you recommend a restaurant? <b>B:</b> Let's see. There are two. <b>A:</b> آیا می تونی یک رستوران پیشنهاد بدی؟ <b>B:</b> بذار فک کنم. دو تا وجود داره.	با دقت فکر کردن، تلاش برای به یاد آوردن چیزی
<b>so-so</b>	<b>A:</b> How are you? <b>B:</b> so-so.	<b>B:</b> نه خوب نه بد (متوسط)	نه خوب نه بد
<b>how's it going?</b>	<b>A:</b> Hi sir, how's it going? <b>B:</b> Hello, so-so. = how are you getting on? /how do you do /how are things?/what's new?	<b>A:</b> سلام آقا، حالت چطور است؟ <b>B:</b> سلام، متوسط.	حالت چطوره؟ اوضاع چطوره؟ چه خبر؟
<b>how's that?</b>	<b>A:</b> Do you need anything from the shop? <b>B:</b> How's that? Sorry, the oven fan was too loud. <b>A:</b> از مغازه چیزی نیاز داری؟ <b>B:</b> میشه دوباره تکرار کنی؟ متأسفم، صدای فن فر خیلی بلند بود.		میشه دوباره تکرار کنی؟
<b>you could always</b>	You could always try ringing again.	بهمتره که دوباره زنگ بزنی.	بهمتره که
<b>fat chance (!)</b>	That she will buy a new car is a fat chance. = no chance!	این که او یک ماشین جدید بخرد، غیرممکن است.	محال، غیرممکن
<b>make ends meet</b>	Reza has to work at two job to make ends meet. رضا برای تأمین مخارج زندگی، مجبور است در دو شغل کار کند.		دخل و خرج را جور کردن
<b>make fun of sb</b>	The two boys are making fun of him.	دو پسر او را مسخره می کنند.	مسخره کردن
<b>foot the bill</b>	I can't afford to foot the bill my house rent.	من بضاعت پرداخت اجاره خانه ام را ندارم.	پرداخت کردن
<b>thanks a lot</b>	= thank you , thanks a million		ممنونم، متشکرم
<b>do one's best</b>	If you want to reach to your dreams, do your best. اگر می خواهید به آرزوهای خود برسید، نهایت تلاش خود را بکنید.		نهایت تلاش خود را کردن
<b>first things first</b>	First things first, we must go to the hospital. = first and foremost	اول از همه، ما باید به بیمارستان بریم.	در اولویت اول، اول واجب الوجبات
<b>after all</b>	After all that hard work, you deserve a holiday. پس از آن همه تلاش سخت، شما سزاوار تعطیلات هستید.		به هر حال
<b>at this point</b>	At this point, we are the best ranked football team in the country. در حال حاضر، ما بهترین تیم فوتبال رتبه بندی شده در کشور هستیم.		در حال حاضر
<b>be broke</b>	I can't make ends meet. I'm broke. = down and out / flat broke (بی پول)	من نمی توانم دخل و خرج کنم. من بی پولم.	بی پول بودن

<b>give sb a ride</b>	Can you give me a ride to the office tomorrow? = give sb a lift می‌تونی فردا منو تا دفتر برسونی؟	کسی را (با) ماشین) رساندن
<b>give or take</b>	It's 10 kilometers to Ardabil, give or take a kilometer or two. تا اردبیل ۱۰ کیلومتر راه است، تقریباً (کم و زیاد) یک یا دو کیلومتر.	تقریباً (برای دادن عدد تقریبی)
<b>I haven't the foggiest (idea)</b>	I haven't the foggiest idea what you're talking about. در مورد آنچه که صحبت می‌کنی، منم مثل تو بی‌خبرم و نمی‌دونم. = your guess is as good as mine / It's beyond me / search me / I haven't the faintest (idea) / you've got me there / I've no idea / beats me /	نمی‌دونم، منم مثل تو بی‌خبرم
<b>you never know</b>	You never know, she might change her mind. از کجا معلوم (بیان: وقتی چیزی ممکنه اتفاق بیفته)، او ممکن است نظر خود را تغییر دهد.	از کجا معلوم
<b>not on your life</b>	<b>A:</b> Would you like to play football? <b>B:</b> Not on your life! I'm busy. آ: آیا دوست دارید فوتبال بازی کنید؟ <b>ب:</b> حرفشمن نزن! سرم شلوغه. * اینکه فردی وقتی پیشنهادی به او می‌شود، با آن مخالفت می‌کند و آن را رد می‌کند.	عمراً، اصلاً حرفشمن نزن
<b>tell me about it</b>	<b>A:</b> The teacher won't attend class today? <b>B:</b> Tell me about it! = I agree with you/right enough <b>ب:</b> آخ گفتی! آ: معلم امروز تو کلاس حاضر نمی‌شه؟	آخ گفتی، موافقم (* موافقت)
<b>fancy (that)</b>	Fancy seeing you here! Do you fancy going to the cinema? عجیبه که اینجا می‌بینمت! * تعجب و شوکه‌شدگی مایلی به سینما بریم؟	عجب! عجیبه! مایلی
<b>not anywhere near</b>	I've not done anywhere near enough work to pass the exam. من خیلی کمتر از آنچه برای قبولی در آزمون انجام داده‌ام.	خیلی کمتر
<b>believe it or not</b>	Believe it or not, Jessy asked me to marry her! میخوای باور کن میخوای باور نکن، جسی از من در خواست کرد که با او ازدواج کنم.	میخوای باور کن میخوای باور نکن
<b>feel free</b>	Feel free to check your emails on my laptop. راحت باش که ایمیل‌هات رو، رو لپ‌تاپ من چک کنی.	راحت باش
<b>heaven knows</b>	Only heaven knows what's happened. = goodness knows فقط خدا می‌داند چه اتفاقی افتاده است.	خدا می‌دونه
<b>there's nothing to touch</b>	There's nothing to touch your kindness, morals, and helping others. هیچ چیزی بهتر از مهربانی، اخلاق، و کمک به دیگران نیست.	بهترین و... از این نیست
<b>wonders will never cease!</b>	Jalal is getting up at 6 a.m at this point. Wonders will never cease! در حال حاضر جلال ساعت ۶ صبح بلند می‌شود. عجایب هرگز متوقف نمی‌شوند! (شگفت‌انگیزه!)	عجب! شگفت‌انگیزه!
<b>talk shop</b>	Don't talk shop when you are on vacation. وقتی در تعطیلات هستی، درباره‌ی شغل خود حرف نزنید.	درباره‌ی شغل خود حرف زدن
<b>talk/speak of the devil</b>	Talk of the devil! We were just saying that we hadn't seen you for a long time. چه حلال زاده! ما فقط می‌گفتیم مدت‌هاست شما را ندیده‌ایم.	چه حلال زاده
<b>if you ask me</b>	Their marriage was a mistake, if you ask me. اگر نظر منو بخوای، ازدواج اونا اشتباه بود.	اگه نظر منو بخوای
<b>don't bank on it</b>	"Don't bank on it! The weather forecasters often get things wrong." اعتماد نکن! هواشناسان اغلب اوقات اشتباه می‌کنند.	روی آن حساب نکنید
<b>no big deal</b>	If I don't win, it's no big deal = I'm not bothered اگر من پیروز نشوم، مهم نیست. - big deal مسئله بزرگ و مهم	مهم نیست
<b>all right</b>	<b>A:</b> Will you lend me your bike, please? <b>B:</b> All right, but I'll need it back tomorrow. آ: میشه دوچرخو را به من قرض بدی؟ ب: باشه، اما فردا لازمش دارم.	خیلی خوب، باشه
<b>right you are!</b>	<b>A:</b> This choice isn't correct. <b>B:</b> Right you are! = you're right آ: این گزینه صحیح نیست. ب: حق با توه! * موافقت به انجام کاری	حق با توه، درست میگی
<b>don't mention it</b>	Don't mention it. I'm at your service anytime. قابلی نداشت. در هر زمان در خدمت شما هستیم. = you're welcome / not at all / my pleasure / anytime / think nothing of it	قابلی نداره، خواهش میکنم



**17- The idiomatic phrase “-----” is used when something bad has happened to make a situation that is already difficult worse.**

- 1) You could always  
2) I haven't the faintest idea  
3) make up your mind  
4) That's all you need

**18- You say ----- when you have just been told something that you did not know about, often something that you feel you should have known about earlier.**

- 1) wonders will never cease!  
2) there's nothing to touch  
3) make ends meet  
4) that's news to me

**19- ----- is used to mention something you have just realized or remembered.**

- 1) come to think of it  
2) dream on!  
3) hate to think  
4) you've got me there

**20- Something that's ----- is not going to happen — there's not any reason to even discuss it.**

- 1) out of the question  
2) too good to be true  
3) my cup of tea  
4) at this point

**21- You say ----- when you are giving your personal opinion about something.**

- 1) talk shop  
2) if you ask me  
3) I agree with you  
4) It's beyond me

**22- You use “-----” in an informal context to emphasize that you agree with someone, often because you have had a similar experience to the one they have mentioned.**

- 1) fancy that!  
2) tell me about it!  
3) not on your life!  
4) come on!

**23- You use ----- in an informal context to emphasize that you do not know the answer to something.**

- 1) I haven't the foggiest idea  
2) your guess is as good as mine  
3) when it comes down to it  
4) A & B

**24- You paid for dinner last time. Let me ----- the bill for lunch today.**

- 1) hand  
2) face  
3) foot  
4) fist

**25- ----- is a question to ask about someone's health or situation.**

- 1) How's it going?  
2) Wouldn't you know it?  
3) What's the use?  
4) how's that?

*Part II: Read the following conversations between two people and answer the questions about the conversations by choosing one of the choices (1), (2), (3), or (4).*

**A: Do you know anything?**

**B: No, I'm completely (26) -----, like anyone else.**

- 26- 1) in all honesty  
2) in the dark  
3) on the ball  
4) in the same boat

**A: Are you going to work this weekend?**

**B: (27) -----! I'm going to spend the day at the beach.**

- 27- 1) Not on your life  
2) Fancy that  
3) tell me about it  
4) too true

**A: Claire, I have many problems these days. I'm confused. I don't know what to do.**

**B: Don't lose heart. (28) ----- what tomorrow will bring.**

- 28- 1) Believe it or not  
2) There's nothing to touch  
3) Mark my words  
4) You never know

**A: Do you think you've passed the exam?**

**B: (29) ----- ! I couldn't answer half the questions.**

- 29- 1) Give it a rest  
2) Not likely  
3) Have had it  
4) Fat chance

**A: I like to spend my holidays somewhere sunny.**

**B: (30) -----, I'd like to eat ice cream in that weather.**

- 30- 1) Dread to think  
2) You and me both  
3) Search me  
4) No big deal

**A: You're going to ask Dad for a loan?**

**B: (31) -----, He always complaining about how much we all spend.**

- 31- 1) You've got me there  
2) Don't bank on it  
3) Right you are  
4) Rather you than me



**A: I'm rushing home to prepare for a barbecue and have very little time to chat.**

**B: (32) -----.** There's going to be a storm this evening.

- 32- 1) Easier said than done    2) God forbid  
3) You mark my words    4) Heavens

**A: Bob said that he will definitely give me the money he owes me next week.**

**B: (33) -----!** Bob borrowed money from most of his friends and he's never repaid it.

- 33- 1) Heaven knows    2) Don't bank on it  
3) It's not my cup of tea    4) Don't hold your breath

**A: Hi, Bill.**

**B: Hi, Laura. (34) -----?**

**A: Awful. I resigned.**

**B: You resigned? Why? You liked the job, didn't you?**

**A: Yes and no. I never liked my boss. You know this. After all, (35) ----- for your attention.**

- 34- 1) How's it going?    2) Wouldn't you know it?  
3) What's the use?    4) how's that?

- 35- 1) wait for it    2) way to go    3) give it a rest    4) believe you me

**A: Oh, hi Saleh. Would you (36) -----?**

**B: Sure.**

**A: Would you (37) ----- this gentleman a ride?**

**B: Where does he wanna go?**

**A: He wanna go to the bus stop.**

**B: Pardon me. I'm gonna go to the city center.**

- 36- 1) do me a favor    2) speak for yourself    3) talk shop    4) make fun of me  
37- 1) have    2) give    3) get    4) make

**A: I admire you, because you work all day, study at night, and (38) ----- for your life.**

**B: Thank you.**

**A: (39) -----.**

- 38- 1) burn the midnight oil    2) make up your mind  
3) come to think of it    4) do your best

- 39- 1) My pleasure    2) It's the best of both worlds  
3) You can say that again    4) Don't hold your breath

**A: I think we need to launch a major advertising campaign to fight the bad press from our manufacturing plant chemical leak.**

**B: (40) ----- but which department is going to pay for the campaign?**

**A: I think since it is manufacturing that caused the problem that the manufacturing department should (41) -----.**

**B: They are not going to like paying.**

- 40- 1) I agree    2) Not to mention I am  
3) I'm easy    4) I feel free

- 41- 1) speak for yourself    2) foot the bill  
3) be out of the question    4) be broke

**A: So, what did you do over the weekend?**

**B: Oh, I stayed home and read.**

**A: (42) -----.**

**B: Not really. I finished reading a terrific novel. Want to borrow it?**

**A: Maybe some other time. (43) -----**

- 42- 1) It's the whole nine yards    2) No way  
3) Sounds fine    4) You lost heart

- 43- 1) Not at all.    2) I've no idea.    3) Come on!    4) Thanks a lot

**A: I had a date last night with Steve, that guy I met online last week. We went to that new restaurant downtown, Zanzibar.**

**B: How was the restaurant?**

۱- گزینه (۱)

عبارت «گفتنش راحت‌تر ولی تو عمل سخته» زمانی گفته می‌شود که چیزی ایده خوبی به نظر می‌رسد اما انجام آن دشوار باشد.



easier said than done : گفتنش راحت‌تر ولی تو عمل سخته

۲- عبارتی است که می‌گوید برای شما مهم نیست که کدام انتخاب انجام شده است.

(۱) مهم نیست (۲) کاملا درسته، کاملا موافقم (۳) متاسفم (۴) برام فرقی نداره

۳- گزینه (۴)

اصطلاح «چه حلال زاده» هنگامی استفاده می‌شود که شخصی که در موردش صحبت می‌کردید به طور غیرمنتظره ظاهر شود.



talk/speak of the devil : چه حلال زاده

۴- گزینه (۱)

زندگی در مزرعه بسیار متفاوت از چیزی است که من به آن عادت داشتم.



far cry from : خیلی متفاوت از

۵- گزینه (۲)

زمانی می‌گویید روی آن حساب نکنید که به کسی توصیه می‌کنید که به اتفاقی که می‌افتد وابسته نباشد یا به آن تکیه نکند.



don't bank on it : روی آن حساب نکنید

۶- گزینه (۴)

عبارت «تصورشم برام دردناکه» برای تأکید بر این که نمی‌خواهید به چیزی فکر کنید زیرا ناخوشایند یا ناراحت‌کننده است، استفاده می‌شود.



dread/hate to think : تصورشم دردناکه

۷- دردسر بزرگ یک مشکل، موقعیت و غیره است که رسیدگی به آن مشکل است و باعث اختلاف بسیاری می‌شود.

(۱) آزمون تعیین‌کننده (۲) دردسر بزرگ (۳) خوره تلویزیون، تنبل (۴) خیلی گرون

۸- منم همینطور، زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که موافق هستید با آنچه که کسی گفته است یا همان چیزی را تجربه می‌کنید که آن‌ها تجربه کرده‌اند.

(۱) من چه می‌دونم (۲) خوب به نظر می‌رسه (۳) منم همینطور (۴) کاملا درسته، کاملا موافقم

۹- گزینه (۳)

اگر کسانی که گرفتار و بدبخت می‌شوند، با مشکل جدی روبرو هستند، یا ممکن است شکست بخورند.



have had it : بدبخت شدیم، گرفتار شدیم

۱۰- تقریبا برای نشان دادن تقریبی یک مقدار استفاده می‌شود.

(۱) تقریبا (۲) میخوای باور کن میخوای باور نکن (۳) به نمایندگی از (۴) اچيانا

۱۱- گزینه (۳)

من یک عروسی سنتی می‌خواهم، با کیک، لباس - هر چیز ممکن.

the whole nine yards : هر چیز ممکن

۱۲- گزینه (۳)

عبارت «به لطفی بهم کن» گاهی اوقات به شکل کنایه آمیزی استفاده می‌شود هنگامی که شخصی می‌خواهد کسی کاری را انجام دهد که به هر حال باید انجام دهد.



do me a favor : به لطفی بهم کن

۱۳- به ویژه انگلیسی بریتانیایی از «از چرند گفتن دست بکش» استفاده می‌کند تا به کسی بگوید در مورد چیزی صحبت نکنند، زیرا آن‌ها شما را اذیت می‌کنند.

(۱) دست کم، لااقل (۲) از چرند گفتن دست بکش (۳) دمت گرم، ایول (۴) تا پاسی از شب بیدار ماندن

۱۴- این خط و این نشون یعنی چیزی که وقتی به کسی درباره چیزی مطمئن هستید در آینده اتفاق خواهد افتاد.

(۱) خیلی گرونه (۲) این خط و این نشون، به حرفم می‌رسی (۳) معدهام تو تعجبه (۴) دلتو خوش نکن، دلتو صابون زن

۱۵- آنچه قرار است باشد یا گفته شد، نباید به دیگران گفته شود. بین خودمون باشه، یک عبارت است معمولا همراه با اطلاعاتی که باید مخفی نگه داشته شوند، گفته می‌شود.

(۱) منو درگیر نکن (۲) بین خودمون باشه (۳) رو من حساب نکن (۴) در وضعیت مشابه

۱۶- اصطلاح «در ناآگاهی بودن» به معنای ندانستن در مورد چیزی است که دیگران از آن اطلاع دارند.

(۱) در وضعیت مشابه بودن (۲) با صداقت کامل بودن (۳) با/ در ناآگاهی، پنهانی و محرمانه (۴) غیرممکن بودن

۱۷- عبارت اصطلاحی «همینو کم داشتیم» زمانی استفاده می‌شود که اتفاق بدی برای بدتر شدن وضعیتی که در حال حاضر دشوار است رخ داده است.

(۱) بهتره که (۲) نمی‌دونم (۳) تصمیمت رو بگیر (۴) همینو کم داشتیم

۱۸- شما می‌گیرم حتما باید از تو بشنوم، خبر نداشتم، وقتی به تازگی چیزی به شما گفته شده که از آن بی‌خبر بوده‌اید، اغلب چیزی که فکر می‌کنید باید قبلا در مورد آن می‌دانستید.

(۱) عجب! شگفت‌انگیزه! (۲) بهترین، و... از این نیست (۳) دخل و خرج را جور کردن (۴) حتما باید از تو بشنوم، خبر نداشتم

۱۹- حالا یادم اومد، برای ذکر موضوعی که به تازگی متوجه شده‌اید یا به خاطر آورده‌اید استفاده می‌شود.

(۱) حالا یادم اومد (۲) به همین خیال باش، خواب دیدی خیر باشه (۳) تصورشم دردناکه (۴) منم نمی‌دونم

۲۰- اتفاقی که غیرممکن است، رخ نخواهد داد - هیچ دلیلی وجود ندارد که حتی درباره آن بحث کنیم.

(۱) غیرممکن (۲) آنقدر خوب که باور کردنش سخته (۳) مورد علاقم (۴) در حال حاضر

۲۱- شما می‌گیرن اگه نظر منو بخوای، وقتی در مورد چیزی نظر شخصی خود را ارائه می‌دهید.

(۱) درباره ی شغل خود حرف زدن (۲) اگه نظر منو بخوای (۳) باهات موافقم (۴) نمی‌دونم، خارج از درکمه

۲۲- شما از «آخ گفتی، موافقم» در زمینه‌ای غیررسمی برای تأکید بر موافقت خود با فردی استفاده می‌کنید، اغلب به این دلیل که شما تجربه مشابهی با تجربه ذکر شده توسط او داشته‌اید.

عجب! عجیبه! مایل (✓) آخ گفتی، موافقم (۳) عمرا، اصلا حرفش من زن (۴) عجله کن، بی‌خیال، نه بابا!

۲۳- شما از نمی‌دونم، تو زمینه‌ای غیررسمی برای تأکید به این که پاسخ چیزی را نمی‌دونید به کار می‌برید.

۱) نمی‌دونم (۲) منم مثل تو نمیدونم (۳) وقتی حرفش پیش میاد (✓) گزینه آ و ب

۱) خدا می‌دونه (۲) روی آن حساب نکنید (۳) تصمیمتو بگیر (✓) دلتو خوش نکن، دلتو صابون نزن

۲۴- گزینه (۳)

ب: سلام لورا. حالت چطوره؟  
آ: افتضاح. من استعفا دادم.

دفعه قبل هزینه شام را دادید. بگذارید امروز حساب نهار را من پرداخت کنم.

ب: استعفا دادی؟ چرا؟ کارو دوست داشتی، نه؟  
آ: بگی نگی. (ای) من هیچ وقت رئیسو دوست نداشتم. تو اینو می‌دونی. به هر حال، دمت گرم برای توجهت.

💡 foot the bill : پرداخت کردن

۳۴- (✓) حالت چطوره؟ اوضاع چطوره؟ چه خبر؟ (۲) نمی‌دونی چی شده (۳) فایده‌ش چیه؟! (۴) میشه دوباره تکرار کنی؟

۲۵- سوالی است که در مورد سلامتی یا وضعیت کسی پرسیده می‌شود.

۳۵- (۱) منتظر باش (✓) دمت گرم، ایول (۳) از چرند گفتن دست بکش (۴) باورم کن

(✓) حالت چطوره؟ اوضاع چطوره؟ چه خبر؟ (۲) نمی‌دونی چی شده (۳) فایده‌ش چیه؟! (۴) میشه دوباره تکرار کنی؟

۳۶- آ: اوه، سلام صالح. ممکنه یه لطفی بهم بکنی؟  
ب: مطمئناً

۲۶- آ: آیا چیزی می‌دانید؟  
ب: نه، من مانند دیگران کاملاً در ناآگاهی هستم.

آ: میشه این فرد محترم رو برسونی؟  
ب: کجا می‌خواد بره؟

۱) با صداقت کامل (✓) در ناآگاهی، پنهانی و محرمانه (۳) زیرک و باهوش (۴) در وضعیت مشابه

آ: اون می‌خواد به ایستگاه اتوبوس بره.  
ب: ببخشید. من میرم مرکز شهر.

۲۷- آ: آخر هفته قصد کار دارید؟  
ب: عمرا، اصلا حرفش من زن! من می‌خواهم روز را در ساحل بگذرانم.

۳۶- (✓) یه لطفی بهم کن (۲) نظرتو برا خودت نگهدار (۳) درباره‌ی شغل خود حرف زدن (۴) منو مسخره کنی

(✓) عمرا، اصلا حرفش من زن (۲) عجب! عجیبه! مایل (۳) آخ گفتی، موافقم (۴) کاملاً درسته، کاملاً موافقم

۳۷- گزینه (۲)

۲۸- آ: کُلر، من این روزا مشکلات زیادی دارم. من گیج شدم. نمی‌دونم چی کار کنم.

💡 give sb a ride : کسی را (با ماشین) رساندن

ب: امیدتو از دست نده. از کجا معلوم فردا چی اتفاق می‌افته.

💡 gonna = going to, wanna = want to : کاربردشون تو مکالمه زیاده و اینکه بعدشون مصدر بدون to میاد.

۱) میخوای باور کن میخوای باور نکن (۲) بهترین و... از این نیست (۳) این خط و این نشون، به حرفم می‌رسی (✓) از کجا معلوم

۳۸- آ: شما را تحسین می‌کنم، زیرا شما تمام روز کار می‌کنی، شب مطالعه می‌کنی و نهایت تلاش خودت رو برای زندگی می‌کنی.

۲۹- آ: فکر می‌کنید در امتحان قبول شده‌اید؟  
ب: بعید است! نیمی از سوالات را نتوانستم پاسخ دهم.

ب: ممنون.  
آ: خواهش می‌کنم.

۱) عمرا، اصلا حرفش من زن (✓) عمرا، بعید است (۳) بدبخت شدیم، گرفتار شدیم (۴) محاله، غیرممکنه

۳۸- (۱) تا پاسی از شب بیدار ماندن (۲) حالا یادم اومد (۳) تصمیمتو بگیر (✓) نهایت تلاش خودتو می‌کنی

۳۰- آ: من دوست دارم تعطیلات خود را در جایی آفتابی بگذرانم.  
ب: در وضعیت مشابه. من دوس دارم تو اون هوا بستنی بخورم.

۳۹- (✓) خواهش می‌کنم (۲) خیر دنیا و آخرت (۳) واقعا درسته، کاملاً موافقم (۴) دلتو خوش نکن، دلتو صابون نزن

(✓) تصورشم دردناکه (۲) منو و تو تو وضعیت مشابه‌ایم (۳) من چه می‌دونم (۴) مهم نیس

۴۰- آ: من فکر می‌کنم ما باید یک کمپین تبلیغاتی بزرگ را برای مبارزه با مطبوعات بد از سوی نشست شیمیایی کارخانه تولید خود راه‌اندازی کنیم.

۳۱- آ: قراره از بابا وام بخوای؟  
ب: منو درگیر نکن. اون همیشه از این که همه ما چقدر هزینه می‌کنیم شکایت داره.

ب: موافقم اما کدام بخش هزینه کمپین را پرداخت می‌کند؟  
آ: من فکر می‌کنم چون که در حال تولید کردن مشکل را بوجود آورد، دپارتمان تولید باید صورت‌حساب را پرداخت کند.

۱) منم نمی‌دونم (۲) روی آن حساب نکنید (۳) حق با توهه، درست میگی (✓) منو درگیر نکن

ب: آن‌ها تمایل به پرداخت ندارند.

۳۲- آ: من با عجله به خانه می‌روم تا کباب آماده کنم و زمان کمی برای گپ زدن دارم.  
ب: این خط و این نشون. امشب طوفانی خواهد شد.

۴۰- (✓) موافقم (۲) به علاوه من هستم (۳) برام فرقی نداره (۴) من راحت

# General Tests

---

تست‌های بخش مکالمه کنکور  
داخل و خارج از کشور  
از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲



*Part D: Language Functions*

*Directions:* Read the following conversations between two people and answer the questions about the conversations by choosing one of the choices (1), (2), (3), or (4). Then mark the correct choice on your answer sheet.

**A: Could you please give me some help?**

**B: ( 131) -----**

**A: I kept (132) ----- my History 101 paper, and it's due next week.**

**B: If you want to pass the course, you've got to write that paper.**

**A: I know. I thought that since you're a history major, you could help me (133) ----- a topic for my paper.**

131- 1) By the way                      2) With what?                      3) What's more                      4) You're welcome

132- 1) tripping over                      2) calling off                      3) putting off                      4) getting through

133- 1) make up                      2) pass on                      3) get over with                      4) come up with

**A: Do you think you'll be able to find someone else to head this committee?**

**B: No problem. You are (134) -----!**

134- 1) in the dark                      2) off the hook                      3) in the red                      4) out of the blue

**A: Do you know who Carl (135) ----- for the lead part?**

**B: Peter.**

**A: Peter? I thought that Terry did a much better job of acting.**

**B: (136) -----, but he doesn't sing as well.**

135- 1) wrapped                      2) related                      3) pointed                      4) picked

136- 1) Actually                      2) Come on                      3) Perhaps                      4) Never mind

**A: Can you think of the answer to the last question?**

**B: I need just a minute. It's (137) -----.**

137- 1) on my mind                      2) as hard as nails

3) out of the question                      4) on the tip of my tongue

**A: Could you hand me the wrench, please?**

**B: (138) ----- .Where is it?**

**A: In the toolbox next to the car.**

**B: (139) ----- . Do you need any help under there?**

**A: (140) ----- . As soon as I change these spark plugs, the engine should run smoothly.**

138- 1) Sure                      2) Here goes                      3) I'd love to                      4) How come

139- 1) I bet                      2) Go ahead                      3) Sounds fine                      4) Here you are

140- 1) Let's go                      2) All right                      3) No thanks                      4) So far, so good

یادداشت:

۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-آ: لطفاً به من کمک کنید؟

ب: در چه کاری؟

آ: من مدام مقاله ۱۰۱ درس تاریخ خود را به تعویق انداختم و هفته آینده وقتش می‌رسد.

ب: اگر می‌خواهید این درس را بگذرانید (پاس کنید)، باید آن مقاله را بنویسید.

آ: می‌دونم. من فکر کردم از آنجا که شما رشته تحصیلی شما تاریخ هست، می‌توانید به من کمک کنید تا یک موضوع برای مقاله‌ام ارائه بدهم.

۱۳۱-۱ (راستی، ضمناً  در چه کاری؟ (۳ به علاوه ۴) خواهش می‌کنم۱۳۲-۱ (تلو تلو خوردن ۲) متوقف کردن  به تعویق انداختن ۴) به پایان رساندن، کامل کردن

۱۳۳-۱ (ساختن، آرایش کردن ۲) منتقل کردن، فوت کردن ۳) شتابزده به پایان رساندن، تمام کردن به

ایده‌ای رسیدن، راه حلی ارائه دادن

۱۳۴-آ: فکر می‌کنید بتوانید شخص دیگری را برای ریاست این کمیته پیدا کنید؟

ب: مشکلی نیست. شما از وضعیت بد خلاص هستید!

۱۳۴-۱ (با/ در ناآگاهی  از وضعیت بد خلاص شدن ۳) مقروض ۴) ناگهان و بهویی

۱۳۵-۱۳۶-آ: آیا می‌دانید کارل برای نقش اصلی چه کسی را انتخاب کرد؟

ب: پیترو.

آ: پیترو؟ فکر کردم تری بازیگری را بسیار بهتر انجام می‌داد.

ب: شاید، اما او به خوبی نمی‌خواند.

۱۳۵-۱ (بسته‌بندی کردن، پیچیدن ۲) ربط دادن، مربوط کردن ۳) اشاره کردن، نشان دادن  انتخاب کردن، چیدن، برداشتن۱۳۶-۱ (در واقع ۲) زودباش!، عجله کن!  شاید ۴) مهم نیست

۱۳۷-آ: آیا می‌توانید پاسخ سوال آخر را بدهید؟

ب: من فقط به یک دقیقه زمان نیاز دارم. نوک زبانم است.

۱۳۷-۱ (نگرانی ذهنی ۲) پوست کلفت، سنگدل ۳) غیرممکن در نوک  زبان من

۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-آ: لطفاً آچار را به من تحویل دهید؟

ب: باشه، کجاست؟

آ: در جعبه ابزار، کنار ماشین.

ب: بفرمایید. آیا در آنجا به کمک احتیاج دارید؟

آ: نه، ممنون. به محض تعویض این شمع‌ها، موتور باید بدون مشکل کار کند.

۱۳۸- باشه،  هر چه بادا باد! ۳) مایلیم، با کمال میل ۴) چرا (تو جملات سوالی بکار میره.)۱۳۹-۱ (مطمئنم ۲) بفرمایید ۳) خوب به نظر می‌رسه بفرمایید ۱۴۰-۱ (بیا بریم ۲) اوکی، باشه  نه متشکرم ۴) تا اینجا همه چیز خوب پیش رفته

# مجموعه ۳ جلدی جامع کنکور منحصرآ زبان



[www.Saleheftekhari.ir](http://www.Saleheftekhari.ir)